

Donald Trump, the Orientation of the America First and Disrupting International Trade (2017-2019)

Asghar KeivanHosseini ^{1*} – SeyedAmirsina Nourani ²

Abstract

Following the approach of Donald Trump, US foreign policy faced an innovative orientation, especially in relation to international economics. In this context, the First American doctrine prescribes the necessity of increasing attention to Americanism against globalism; significant implications for the economy of this state; economic relations with other states, in particular China, Europe, ..., and The world economy. In fact, his protectionist policies have created a vague prospect for international trade, which reflects on its effects and features in the agenda of this paper. The main research question is: America foreign policy orientation in the course of Trump on the basis of "priority to the interests of America" (America First) during the period 2017-2019 has been how to affect international trade? In response, the hypothesis is that: the US foreign policy over the 2017-2019 period focuses on the priority of US interests by relying on economic nationalism and the adoption of supportive trade policies, the patterns of its commercial engagement with the core actors of the global business, especially China and Europe, are tense Which has had a negative impact on the growth of international trade in the short term.

Keywords: America First Approach (Trump), Economic Protectionism, Economic Nationalism.

-
1. *Associate Professor, Dpt. International Relations, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Corresponding Author: (a.keivan.ir@gmail.com)
 2. Master of Science in Regional Studies, North America, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.



ترامپ، جهت‌گیری «امریکا اول» و اخلال در تجارت بین‌الملل (۲۰۱۷-۲۰۱۹)

سید اصغر کیوان حسینی* - سیدامیرسینا نورانی^۲

چکیده

در پی روی کار آمدن دونالد ترامپ، سیاست‌خارجی آمریکا با جهت‌گیری نوآورانه‌ای به‌ویژه در ارتباط با اقتصاد بین‌الملل روبرو شد. در این زمینه، آموزه «امریکا اول» که لزوم توجه فزاینده به آمریکاگرایی در برابر جهان‌گرایی را تجویز می‌کند؛ پی‌آمدهای مهمی را برای اقتصاد این دولت، روابط اقتصادی با دیگر دولت‌ها به‌ویژه چین، اروپا و اقتصاد جهانی به‌همراه داشت. در واقع، سیاست‌های حمایت‌گرایانه اقتصادی وی دورنمای پر ابهامی را برای تجارت بین‌الملل رقم‌زده که تأمل در مورد آثار و ویژگی‌های آن در دستور کار این نوشتار قرار دارد. بر این اساس سؤال اصلی این تحقیق عبارتست از اینکه: جهت‌گیری سیاست‌خارجی آمریکا در دوره ترامپ بر محور «اولویت‌بخشی به منافع آمریکا» (امریکا اول) طی بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۱۹ چگونه بر تجارت بین‌الملل تأثیرگذار بوده است؟ در پاسخ، فرضیه مورد نظر اینک: جهت‌گیری خارجی آمریکا در دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۱۹ بر محور «اولویت منافع آمریکا» با تکیه بر ناسیونالیسم اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های حمایتی تجاری، الگوهای تعامل تجاری این دولت با بازیگران محوری تجارت جهانی خصوصاً چین و اروپا را با تنش مواجه ساخته که دامنه این روند در کوتاه مدت بر روند رشد تجارت بین‌الملل تأثیر منفی داشته است.

واژگان کلیدی: رویکرد آمریکا اول، حمایت‌گرایی اقتصادی، ناسیونالیسم اقتصادی، دونالد ترامپ، اقتصاد بین‌الملل.

۱. *دانشیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. نویسنده مسئول:

(a.keivan.ir@gmail.com)

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای در گرایش آمریکا شمالی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

مقدمه

ویژگی‌های رهبری ترامپ که به شدت از خصلت‌های فردی (برون‌گرایی شگرف) و محیط ادراکی وی تأثیر پذیرفته، الگوی تصمیم‌سازی نسبتاً نوظهوری را در سال‌های اخیر در معرض تحلیل‌گران سیاست‌ خارجی آمریکا جلوه‌گر ساخته است. در این میان، مشی کمتر ایدئولوژیک وی که در جهت احیای عظمت آمریکا هدایت شده، امکان ریسک‌پذیری رئیس‌جمهور جدید را تشدید کرده است (مک‌آدامز، ۱۳۹۶: ۱۱-۶). در همین ارتباط، برخی از ابتدای قدرت‌یابی وی بر این مدعا پافشاری کردند که: «ترامپ به دلیل تاجر بودن و سوابق اجرایی در زمینه مسائل اقتصادی، سیاست‌ خارجی منفعت‌طلبانه را در پیش می‌گیرد» (اندیشکده راهبردی تبیین، ۱۳۹۵: ۷-۴). در کنار این قبیل نظرات، وی نیز در مواردی خود را به عنوان «بازیگری معامله‌گر» تصویر کرده و بارها بر تمایل خود برای ارتباط تجارت با دیگر مسائل سیاست‌ خارجی تأکید کرده است (Schneider-Petsinger, 2017). صرف‌نظر از این موارد در سطح تحلیل فردی که فهم و ارزیابی دقیق آن نیز با دشواری روبروست، نشانه‌های عینی و پی‌آمدهای عملی رفتار خارجی ترامپ به‌ویژه در حوزه اقتصاد بین‌الملل مورد توجه این نوشتار قرار دارد. بر این اساس سوال اصلی این تحقیق عبارتست از اینکه: جهت‌گیری سیاست‌ خارجی آمریکا در دوره ترامپ بر محور «اولویت‌بخشی به منافع آمریکا» (امریکا اول) طی بازه زمانی ۲۰۱۷-۲۰۱۹ چگونه بر تجارت بین‌الملل تأثیرگذار بوده است؟ در پاسخ، فرضیه مورد نظر نیز اینک: جهت‌گیری خارجی آمریکا در دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۱۹ بر محور «اولویت منافع آمریکا» با تکیه بر ناسیونالیسم اقتصادی و اتخاذ سیاست‌های حمایتی تجاری، در عرصه جهانی الگوهای تعامل تجاری آن با بازیگران محوری تجارت جهانی خصوصاً چین و اروپا را با تنش مواجه ساخته که دامنه این روند حداقل در کوتاه‌مدت بر روند رشد تجارت بین‌الملل تأثیر منفی داشته است. در خصوص سازماندهی این نوشتار نیز پس از تمرکز بر «سیاست حمایت‌گرایی و اقتصاد بین‌الملل» به‌عنوان الگوی مفهومی، برداشتی کلی از شاخصه‌های تغییر در سیاست‌ خارجی آمریکا بر محور دکترین ترامپ ارائه شده و در ادامه پی‌آمدهای رویکرد «حمایت‌گرایی» به‌عنوان یکی از شاخصه‌های اصلی آموزه «امریکا اول» بر روابط اقتصادی و تجاری ایالات متحده با چین به‌عنوان بزرگ‌ترین رقیب اقتصادی، اتحادیه اروپا به‌عنوان مهم‌ترین متحد استراتژیک و ایدئولوژیک، نفتا به‌عنوان مهم‌ترین پیمان تجاری منطقه‌ای و سازمان تجارت جهانی به‌عنوان بزرگ‌ترین نهاد تجاری دنیا مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱- الگوی مفهومی؛ سیاست حمایت‌گرایی و اقتصاد بین‌الملل

فردریش لیست نظریه «توسعه ناسیونالیسم اقتصادی در سیستم ملی اقتصاد سیاسی» را در سال ۱۸۴۱ به‌عنوان نوعی انتقاد و تجدید نظر طلبی در رویکرد لیبرالیسم اقتصادی مطرح کرد. بر این اساس ناسیونالیسم اقتصادی، در پی حمایت از نقش بیشتر مداخله‌گر دولت به‌دلیل وجود رقابت بین دولت‌هاست (Diesen. 2017: 4). در ادبیات اقتصادسیاسی بین‌الملل، مکتب ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی اقتصادی به شاخه‌هایی مختلف شامل حمایت‌گرایی، مرکانتلیسم، دولت‌گرایی، مکتب تاریخی آلمانی و حمایت‌گرایی نو تقسیم می‌شود (قنبرلو، ۱۳۹۳: ۹۵-۹۴). به‌هرروی ملی‌گرایی اقتصادی طرفدار دخالت دولت در بازار برای ایجاد تقارن و تعادل مطلوب در وابستگی اقتصادی با قدرت‌های دیگر است. بر اساس این رویکرد، همه اقتصادهای بزرگ در سایه مداخلات دولت بزرگ شده و در نهایت، لیبرالیسم اقتصادی به کمک قدرت چیره طلب (هژمون) به نوعی ملی‌گرایی اقتصادی (مخفی) تبدیل می‌شود. بر مبنای منطق مزبور، هنگامی که بازیگری هژمون کنترل قدرت اقتصاد جهانی را در دست داشته باشد، به نفع آن است تا لیبرالیسم اقتصادی را گسترش داده و قدرت‌های دیگری را در شراکت‌های وابسته خود ادغام کند (Diesen. 2017: 3).

نکته دیگر به «ارتباط میان ملی‌گرایی اقتصادی با حمایت‌گرایی» باز می‌گردد. در این مورد بیان شده که ناسیونالیسم اقتصادی در شکل تدافعی خود گرایش به حمایت از اقتصاد در برابر نیروهای اقتصادی و سیاسی بیرونی دارد، درحالی‌که در شکل تهاجمی که مبین گرایش به سوی جنگ اقتصادی است، عمدتاً در قدرت‌های رو به جهش اعمال می‌گردد (قنبرلو، ۱۳۹۳: ۹۶). به‌طور کلی بیان شده که حمایت‌گرایی اقتصادی هم‌سو با ناسیونالیسم اقتصادی به‌عنوان سیاست‌های مقابله تجاری با سایر کشورها به‌دلیل کسری تراز تجاری و یا حمایت از صنایع و تولیدات ملی اتخاذ شده و اینکه دولت‌ها همواره وسوسه مقاومت در برابر نیروهای اقتصاد جهانی را دارند، که محدودیت بر واردات سایر کشورها مهم‌ترین جلوه آن است (صباغیان، ۱۳۸۵: ۹۰). با این وجود، کماکان در خصوص زمان و مقطع اولیه اهتمام دولت‌ها به این نوع رویکرد، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی معتقدند که ریشه این سیاست به تفکرات برخی متفکران دوران باستان برمی‌گردد. برای مثال افلاطون معتقد بود «اجازه دادن به ورود تجار خارجی به دولت‌شهر باعث فساد روح شهروندان می‌شود» (صباغیان، ۱۳۸۵: ۹۰). اما گروهی دیگر مدعی‌اند که حمایت‌گرایی به‌عنوان یک سیاست رسمی و عملی از قرن ۱۶ میلادی و در پیوند با

مرکانتلیسم ایجاد شد. با توجه به اینکه این سیاست برخاسته از نوعی از تفکر ناسیونالیستی است، لذا پیدایش پدیده دولت-ملت منجر به ظهور و بسط حمایت‌گرایی در اقتصاد و حتی در سیاست، فرهنگ و مذهب بوده است. حمایت‌گرایی در اصل «استفاده از تعرفه‌ها و موانع تعرفه‌ای نظیر سهمیه‌ها برای حمایت از یک بازار که در غیر این صورت ممکن است در قبال واردات آسیب پذیر باشند است. اقدامات حمایت‌گرایانه می‌تواند از سوی دولت‌هایی که فردی عمل می‌کنند یا برعکس در یک بلوک تجاری یا نظام بازار مشترک مورد استفاده قرار گیرد. بر این اساس اقتصاددانان سیاسی معمولاً دولت‌ها و رهبران خود را بر سر دوراهی انتخاب بین تجارت آزاد یا حمایت‌گرایی می‌بینند» (ایوانز و نونام، ۱۳۹۱: ۶۸۵). برخی دیگر از منظر منطق واقع‌گرایی (رئالیسم) در سیاست بین‌الملل به رویکرد حمایت‌گرایی نگریده و بیان داشتند که کاربرد سیاست‌های حمایتی به‌ویژه پس از رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰، ریشه در باور به «تحکیم موقعیت نسبی قدرت» داشت و چون این احتمال وجود داشت که تعدادی از دولت‌ها به‌وسیله حمایت‌گرایی یا افزایش هزینه‌های امنیتی-نظامی برخی زیان‌های اقتصادی را تحمل نموده و بدنبال ضعیف ساختن رقبا خود باشند؛ نظارت و کنترل سیاست بر اقتصاد در دستور کار قرار گرفت و در نهایت سیاست و تحولات اقتصادی تابع اهداف و منافع سیاسی شد (قنبرلو، ۱۳۹۳: ۹۸). در نهایت باید به آنانی اشاره کرد که بستر زمانی ورود حمایت‌گرایی به حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل را دهه ۱۹۷۰ دانسته و بر این باورند که طی دهه مزبور موج جدید سیاست‌های حمایتی اقتصادی سبب به‌خطر افتادن روند تجارت آزاد شد؛ که این امر خود منجر به توجه بیشتر بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل به عنوان حوزه‌ای میان‌رشته‌ای گشت (قنبرلو، ۱۳۹۳: ۹۰-۸۹). حمایت‌گرایی امروزه از سمت طرفداران نظریات نئومرکانتلیستی حمایت می‌شود که همانند نظریات مرکانتلیستی سابق بر آن، رهیافتی دولت‌محور را خصوصاً در مسائلی مانند تجارت و تراز پرداخت‌ها مورد توجه قرار داده‌اند. لذا بنابراین دیدگاه، رهبران دولت‌ها در این شرایط خودنگرانه^۱ عمل نمایند (ایوانز و نونام، ۱۳۹۱: ۶۸۶-۶۸۷). نکته نهایی اینکه در کنار باور به اهمیت تاریخی و نظری تجارت بین‌الملل، به‌دلایلی از جمله حمایت از صنایع نوزاد، صرفه‌جویی‌های خارجی، بهبود اشتغال و تراز پرداخت‌ها، حمایت از نیروی کار و قیمت کالای داخلی، درآمدزایی دولت، مبارزه با دامپینگ، بهبود رابطه مبادله، امنیت

1. self-regarding

ملی، واردات فناوری و... (کفایی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۲)، کماکان حمایت‌گرایی از اهمیت و نقش قابل تأملی در سیاست‌های کلان اقتصادی و تجاری دولت‌ها، به‌ویژه قدرت‌های بزرگ برخوردار است.

۲- ترامپ و تحول در اصول و جهت‌گیری ناظر بر سیاست خارجی آمریکا

در نظر برخی تحلیلگران در فضای انتخابات ریاست‌جمهوری اخیر در ایالات‌متحده، شاهد ظهور پدیده‌ای جدید به نام ترامپ در صحنه سیاست بودیم که در میان تمامی مواضعش، از تغییر جهت‌گیری و حرکت به‌سوی سیاست خارجی نوینی تحت عنوان «آمریکا اول» و بازگشت اقتدار آمریکا صحبت می‌کرد (Trifkovic, 2017: 28). از نگاه برخی در پی پیروزی نهائی وی، سیاست خارجی براساس سنت جکسونی در دستورکار رهبران ایالات‌متحده قرار گرفت، سیاستی بر محور مؤلفه‌های خاصی یعنی «ارزش‌های مردمی (پوپولیسیم)»، «قدرت نظامی» و «یکجانبه‌گرایی» سازماندهی و هدایت می‌شد. بر این اساس، ترامپ به‌نوعی مخالفت با رویکرد نسبتاً لیبرال دموکرات حاکم بر سیاست خارجی آمریکا از سال ۱۹۴۵ برخاست. یکجانبه‌گرایی به معنای تمرکز و تأکید بر احیا احترام جهان در برابر آمریکا است: «آمریکاکرایی و نه جهان‌گرایی اعتبار ما خواهد بود» (Clarke & Ricketts, 2017: 366-368). به عبارت دیگر، نگرانی وی نسبت به نظم جهانی با دیگران لیبرال، تفاوت فاحشی داشت؛ بدین معنی که ترامپ راه حلی اصلی برای رفع دغدغه‌های مزبور را تنها در تحقق موقعیت «آمریکا اول» می‌دانست. از نظر وی تاریخ جهانی در مسیر اشتباه حرکت می‌کند و درحالی که نخبگان جهان‌وطنی برای دفاع از موقعیت قانونی خود ضعیف‌اند، بیگانگان مرتباً از آمریکا استفاده می‌کنند. وی در مبارزات انتخاباتی صریحاً بیان داشت که «تا وقتی که آمریکا به جهانی‌شدن معتقد باشد کشورهای دیگر با احترام در برابر آن رفتار نمی‌کنند» (Wolf, 2017: 99-101). در چارچوب رویکرد یادشده (آمریکا اول)، در کنار نشانه‌هایی از انتقاد نسبت به مشارکت جهانی، قرائنی در باب حمایت از صنایع داخلی، بهره‌برداری بیشتر از سوخت‌های فسیلی، انکار تغییرات آب‌وهوایی و لغو مقررات زیست‌محیطی (وضع شده در دوره اوباما) و افزایش بودجه دفاعی مشاهده می‌شد. (Robertson, 2017: 1). به زعم برخی، ترامپ با صراحت اعلام کرده که به‌دنبال تجدید نظر در جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا است (Trifkovic, 2017: 31-33). رویکردی که در ابتدای آغاز به‌کار کابینه نوپا، از تحول دیدگاه رهبری ایالات‌متحده نسبت به مواردی چون مهاجرت،

روابط تجاری و کاربرد چندجانبه‌گرایی حکایت داشت. (Robertson. 2017: 1-3).

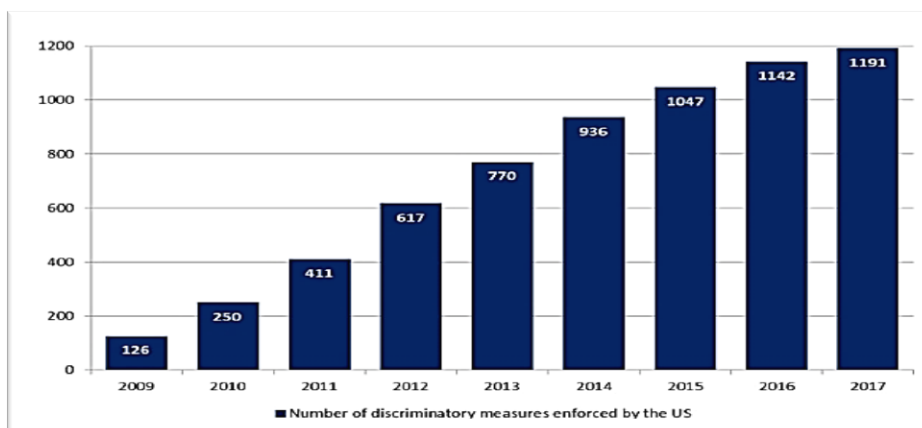
۳- جهت‌گیری «امریکا اول» بر محور حمایت‌گرایی اقتصادی

در راستای موارد یاد شده، در چارچوب نگرش ترامپ سیاست‌های حمایتی و اعمال ناسیونالیسم اقتصادی امری ضروری دانسته می‌شود؛ به این معنا که آمریکا دیگر مانند گذشته مایل به ایفای نقش قهرمان تجارت‌آزاد نیست. براین مبنا پیوند تجارت به موضوعات سیاست خارجی می‌تواند فرصت‌هایی برای معاملات و پیشرفت در روابط خارجی آمریکا ایجاد کند. به عبارت دیگر، ترامپ اعتبار بیشتری را برای توانایی‌های نظامی و اقتصادی به‌عنوان اهرم‌های فشار بر بازیگران رقیب و دشمنان آمریکا در جهت اثرگذاری بر رفتارهای آنان، اعمال نموده و به‌صورت ویژه در سطحی گسترده‌تر از اهرم‌های اقتصادی و نظامی بهره می‌برد تا منافع ملی را محقق کند. «آمریکای ترامپ، دغدغه کمتری را در رابطه با تلاش برای معناسازی به صحنه خواهد آورد و از اهرم‌های نظامی و اقتصادی در اختیار که بسیار متنوع و گسترده هستند، برای پیشبرد سیاست‌های تهاجمی، بین‌الملل‌گرا و عضلانی بهره فراوان خواهد برد» (دهشیار، ۱۳۹۵: ۳۲ و ۱۸-۱۷). به تعبیر برخی، وی بر این باور بود که «ما دیگر در جنگ و تجارت برنده نشده و در عین حال نیاز داریم که آمریکا را دوباره بزرگ کنیم» (Schake. 2016: 34-36).

۳-۱- ویژگی‌های سیاست حمایت‌گرایانه ترامپ

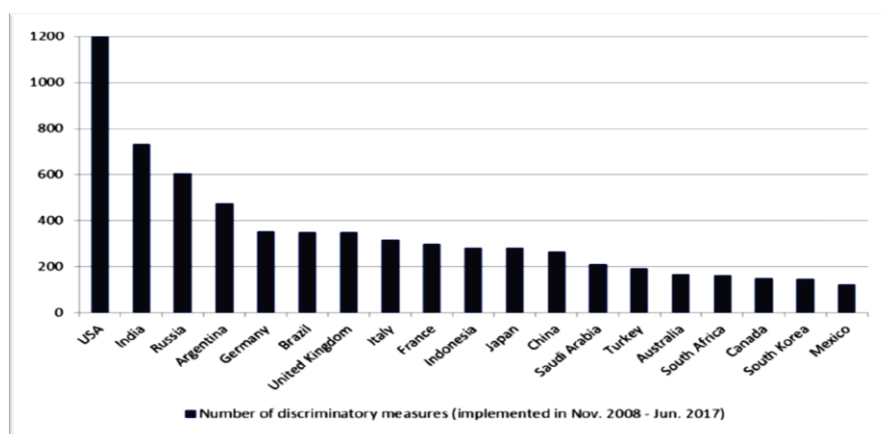
در ابتدا مناسب است که به سابقه سیاست‌های حمایت‌گرایانه در چارچوب سیاست‌گذاری کلان اقتصادی آمریکا اشاره شود. از جمله نمونه‌های تاریخی اتخاذ این سیاست در آمریکا می‌توان به حمایت از صنایع شکر که از ۱۸۱۶ به بعد اعمال شد و یا حمایت‌هایی که از اکثر صنایع بعد از بحران بزرگ ۱۹۲۹ صورت پذیرفت، اشاره کرد. نمونه‌های متأخری نیز در این باره وجود دارد. مثلاً در دهه ۸۰ به‌منظور مقابله با قطب‌های جدید اقتصادی (ژاپن و اروپا) و افزایش برابری ارزی آمریکا، کنگره، سیاست‌های حمایتی را تصویب کرد و از سال ۱۹۸۱ به بعد حمایت از صنایع خودروسازی در آمریکا اعمال و اجرا شد. پس از آغاز دوران جهانی‌شدن، این روند فروکش کرده اما همچنان اتخاذ این سیاست‌ها ادامه دارد. مثلاً می‌توان به اعمال تعرفه‌های سنگین برای واردات محصولات فولادی در سال ۲۰۰۱ توسط جورج بوش اشاره کرد که همین امر منجر به حمایت صنایع فولادسازی در انتخابات نوامبر ۲۰۰۲

کنگره و ۲۰۰۴ ریاست جمهوری از جمهوری خواهان و بوش شد که در پیروزی آنها نقش بسیار مؤثری را ایفا کردند (صباغیان، ۱۳۸۵: ۱۰۲-۹۵). همچنین بررسی‌ها نشان می‌دهد اقدامات تبعیض‌آمیز توسط ایالات متحده براساس معیارهای تجارت جهانی از سال ۲۰۰۹ رو به افزایش بوده است. در این مورد، جدول ذیل قابل توجه است.



Source: Global Trade Alert database. (Felbermayr, Steininger, & Yalcin. 2017: 29)

همانگونه که در جدول زیر مشاهده می‌شود، سیاست یاد شده در میان دیگر قدرتهای اقتصادی G20 به‌گونه‌ای دیگر پیگیری شده:



Source: Global Trade Alert database. (Felbermayr, Steininger, & Yalcin. 2017: 30)

ترامپ در مبارزات انتخاباتی سخن از خروج از روابط فرا اقیانوسی (TPP)، خروج و یا توافق جدید در نفتا، معرفی چین به‌عنوان متقلب پولی و لزوم مقابله با آن خصوصاً در سازمان تجارت جهانی را مطرح نمود و وعده داد از تمام قدرت رئیس‌جمهور برای مقابله با چین استفاده کند و مکزیک و چین را به ترتیب تهدید به اعمال تعرفه ۳۵ و ۴۵ درصدی نمود (هاتزیوس و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱-۱). وی در اولین ماه‌های حضور در کاخ سفید نیز بر مبنای این نگرش که: به‌خاطر حفظ و شکوفایی جهانی، آمریکا چاره‌ای جز درگیری با متحدین اصلی و دشمنان خود ندارد (Larres. 2017)، ناسیونالیسم اقتصادی و حمایت‌گرایی را به‌عنوان دو رویکرد اصلی اقتصادی برگزید، که با ویژگی‌های خاصی همراه شده است. ناسیونالیسم اقتصادی به چشم‌اندازی فراتر از سیاست‌های پایدار و جهان‌گرای این دولت در صحنه جهانی که دهه‌ها آن را اعمال نموده، اشاره دارد. در واقع، رویکرد مزبور مخالف جهانی‌شدن بوده و بر بازارهای باز، رقابت جهانی و وابستگی اقتصادی تأکید دارد (Gaudiosi. 2018). در این زمینه (استراتژیک سیاست تجاری و حمایتی)، برخی دیگر از سه مفهوم «عقب‌نشینی جغرافیایی استراتژیک آمریکا از معاملات تجاری منطقه‌ای؛ پیروی از مدل «معامله‌گر» در روابط خارجی که بر تجارت متمرکز است و ایجاد انشعاب برای هم‌کاری‌های اقتصادی بین‌المللی سخن گفته‌اند» (Schneider-Petsinger. 2017). به‌زعم وی اقتصاد جهان در انتظار سیاست‌های تجاری متفاوتی از ابعاد منقبض‌تر و آمریکایی‌تر بوده و بر این پایه سرفصل‌هایی چون کاهش مالیات، کاهش مقررات، هزینه‌های زیربنایی، هزینه‌های دفاعی، مهاجرت و تجارت را در سطح داخلی مدنظر داشت (McKibbin & Stoeckel. 2017: 5-6).

۳-۲- اثرگذاری بر تجارت بین‌الملل

قبل از پرداختن به آراء معطوف به آثار سیاست حمایت‌گرایانه ترامپ بر عرصه بین‌المللی اقتصاد و تجارت، شایسته است که نکاتی در مورد پیش‌بینی پی‌آمدهای رویکرد مزبور بر اقتصاد این دولت مطرح شود. نکته ابتدائی اینکه پیش از انتخابات، مطالعه‌ای نشان داد که یک جنگ تجاری صریح می‌تواند به رکود اقتصادی در ایالات‌متحده در سال ۲۰۱۹ منجر شود (Schneider-Petsinger. 2017). تحت این شرایط تخمین زده شد که مصرف کاهش می‌یابد (۹/۲٪)، سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد (۹/۵٪) و نرخ بیکاری به (۸/۴٪) می‌رسد. اشتغال بخش خصوصی در سال ۲۰۱۹ تقریباً ۴/۸ میلیون شغل را از دست می‌دهد (Hufbauer & Jung. 2016).

۳-۳- آثار حقیقی سیاست حمایتی بر اقتصاد داخلی آمریکا

در طول سال ۲۰۱۸، آمریکا تعرفه‌هایی به ارزش بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار برای کالاهای چینی در نظر گرفت. دولت همچنین تعرفه‌های گزافی بر روی تمام فولاد وارداتی اعمال نمود که دیگر شرکای اصلی تجاری آمریکا را عصبانی کرده‌است. این ایده به‌منظور جبران کسری تجاری با چین بود و چین را وادار به خرید کالاهای آمریکایی بیشتر می‌کرد، اما همانطور که انتظار می‌رفت، چین با افزودن به تعرفه‌های خود بر واردات آمریکا پاسخ داد. دستور کار تجارت داخلی ترامپ به سختی به کشاورزان آمریکایی می‌رسد و کشورهای خارجی ده‌ها میلیارد دلار تعرفه‌های تلافی جویانه بر صنعت کشاورزی آمریکا وضع می‌کنند. چین، مکزیک و کانادا به مالیات دولت ترامپ در مورد فولاد وارداتی، آلومینیوم و الکترونیک با مالیات بر سویا، لبنیات، گوشت خوک، سیب و سیب‌زمینی در میان دیگر کالاهای آمریکایی واکنش نشان داده‌اند. مجموعاً ۸۴ مزرعه در میانه مرکزی در بین ژوئیه ۲۰۱۷ و ژوئن ۲۰۱۸ به ورشکستگی رسیدند. این بیش از دوبرابر کردن تعداد فصل ۱۲ در دوره مشابه در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ در ویسکانسین، مینه‌سوتا، داکوتای شمالی، داکوتای جنوبی و مونتانا است. به گفته اقتصاددانان، کشاورزی که ذرت، سویا، شیر و گوشت را تولید می‌کنند به دلیل تقاضای جهانی پایین و قیمت پایین رنج می‌برند و جنگ تجاری ترامپ باعث بدتر شدن این مشکل شده‌است. در حال حاضر عدم تعادل تجارت بین دو کشور بدتر است. در ماه سپتامبر، کسری تجاری ایالات‌متحده با چین به بالاترین سطح خود یعنی ۳۴/۱ میلیارد دلار رسید. این افزایش ۱۳ درصدی نسبت به سال قبل است. فورد، دومین شرکت بزرگ خودروی آمریکا، در ماه اوت گفت که تعرفه‌های ترامپ هزینه یک میلیارد دلاری را به شرکت می‌دهد و این شرکت در حال حاضر انتظار می‌رود که اخراج گسترده صورت گیرد. این مشکل آنقدر بد شده است که دولت ترامپ یک بسته کمکی ۱۲ میلیارد دلاری را برای مقابله با تعرفه‌های تلافی جویانه‌ای که کشورهای خارجی بر روی محصولات خود تحمیل کرده‌اند، راه‌اندازی کرد (Vox. 2019).

شواهد اولیه در مورد تأثیرات سیاست تجاری دولت ترامپ بر قیمت‌ها و رفاه، دلگرم‌کننده نیست. در برآوردی، حتی با وجود اینکه جنگ موثر تجاری تنها نیمی از سال ۲۰۱۸ را پوشش می‌داد، برآورده‌ای مربوط به سال کامل نشان می‌دهد که کل میزان افت تعرفه‌ها برای مصرف‌کنندگان داخلی ایالات‌متحده کاهش یافته و درآمد واقعی ایالات‌متحده ۱/۴ میلیارد دلار در ماه با کاهش مواجه می‌شود (Steinbock. 2018: 527-528).

براساس آمارهای موجود کسری تراز تجاری آمریکا در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ نه‌تنها کاهش نداشت بلکه بسیار رو به افزایش نیز حرکت کرد. در نمودار زیر نیز می‌توان میزان صادرات آمریکا را در ۵ ساله اخیر دید.



(Tradingeconomics. 2019)

آمار واردات آمریکا نیز در نمودار زیر قابل مشاهده است.



(Tradingeconomics. 2019)

این مسئله حکایت از این امر دارد که اگر کسری تجاری آمریکا در ابتدای سال ۲۰۱۶ رقمی حدود ۴۰ میلیارد دلار بود این رقم در اوایل سال ۲۰۱۹ رقمی حدود ۵۲ میلیارد دلار است.

همچنین اقتصاددانان از بانک فدرال رزرو نیویورک، دانشگاه پرینستون و دانشگاه کلمبیا دریافتند که تعرفه‌های سال گذشته (۲۰۱۸) برای شرکت‌های آمریکایی و مصرف‌کنندگان ۳ میلیارد دلار در ماه هزینه‌های اضافی مالیاتی داشته است و شرکت‌ها حدود ۱/۴ میلیارد دلار خسارت دیده‌اند که رقمی بسیار سنگین است. این تعرفه‌ها همچنین باعث انحراف ۱۶۵ میلیارد دلاری تجارت در سال شدند که منجر به هزینه‌های قابل توجه شرکت‌ها برای سازماندهی مجدد زنجیره‌های تأمین آن‌ها شد. تقریباً تمام هزینه تعرفه‌ها توسط مصرف‌کنندگان و شرکت‌های آمریکایی پرداخت شده است. همچنین در یک مقاله جداگانه که چهار اقتصاددان از جمله پینلویی گلدبرگ نگاشتند، زیان‌های سالانه واردات را برای اقتصاد آمریکا به‌تنهایی ۶۸/۸ میلیارد دلار یا تقریباً ۰/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی رقم زده شد. اما اقتصاددانان یافته‌اند که این مسأله با دستاوردهای حمایت از تولیدات داخلی که به‌وسیله آنها تولیدکنندگان آمریکایی از تعرفه‌های گمرکی بهره‌مند شده‌اند، جبران شد. پس از حسابداری برای تاثیر درآمد تعرفه بالا و مزایای قیمت‌های بالاتر به تولیدکنندگان داخلی، این تحقیق نشان داد که کاهش سالیانه کل اقتصاد آمریکا به ۶/۴ میلیارد دلار یا ۰/۳ درصد از تولید ناخالص ملی رسیده است (Donnan, 2019).

از زاویه پی‌آمدهای بین‌المللی نیز پیش‌بینی‌های قابل تأملی ارائه شده بود که در زیر به مواردی از آن اشاره می‌شود:

الف) در شرایط ملتهب حاصل از نبرد تجاری، با توجه به درهم‌تنیدگی مالی بین کشورها و ایالات متحده، می‌تواند بحرانی فراگیر و رکود جهانی را در اقتصاد دنیا به‌همراه داشته باشد و این امر به کارگیری سیاست‌های حمایت‌گرایانه را تشدید کند. زیرا «در شرایط بروز رکود که می‌تواند بحران‌های مسری را به‌دنبال داشته باشد، اقتصاد جهانی مورد تهدید واقع می‌شود چرا که هر کشور در شرایط مازاد عرضه به‌طور کلی سیاست‌های حمایت‌گرایانه را اعمال می‌کنند تا واردات به کشور را کم و صادرات را بالا ببرند تا مازاد تجاری را کسب کند. اما در شرایط کنونی نظام اقتصاد جهانی و وابستگی متقابل اقتصادی و درهم‌تنیدگی اقتصاد کشورها با یکدیگر، رکود به شکلی وسیع در سطح جهانی و به‌صورت تصاعدی گسترش می‌یابد و اقتصاد جهانی وارد بحران‌های عمیق جهانی می‌شود» (واعظی، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

ب) در اولین سال قدرت‌یابی ترامپ پیش‌بینی می‌شد که تحت رویکردهای سیاسی وی (بر خلاف برگزیت) بحران بزرگ اقتصادی باعث جنگ تجاری شود و در عین حال این نکته مطرح بود که تأثیر کامل آنها، اگر بدون کنترل باقی بمانند، ممکن است چندین سال به طول انجامد. سیاست‌های یک طرفه‌ای مانند تعرفه مرزها می‌تواند یک جنگ تجاری را در محیط کنونی آغاز کند. در همین مورد به نقش دولت‌های دیگر نیز از ابعاد تعهد متقابل به تعهدات مورد توافق، مقاومت در برابر «معاملات جدید و بهتر» با ایالات‌متحده و ضرورت توجه به دیگر نگرانی‌های مشروع نیز توجه می‌شد. (Handley & Limão. 2017: 142-146).

ج) با وقوع جنگ تجاری، برآوردها نشان می‌دهد که صادرکنندگان ایالات‌متحده در تعرفه‌های خارجی با افزایشی بیش از ۲۷٪ مواجه خواهد شد. این بدان معنی است که یک جنگ تجاری تمام‌عیار باعث افزایش قیمت تقریباً ده برابر با صادرکنندگان آمریکایی (از ۳٪ تا ۳۰٪) خواهد شد. محاسبات نشان می‌دهد که کشورهای کوچک و فقیر می‌توانند به شدت آسیب ببینند مثلاً کشورهایمانند گینه‌بیسائو یا الجزایر با افزایش ۵ تا ۶ درصدی تعرفه‌های خارجی با یک جنگ تجاری کامل مواجه خواهند شد. صادرکنندگان هائیتی، تعرفه‌های متوسط اعمال‌شده بر بسته صادراتی‌شان را با افزایشی ۸۵ درصدی خواهند دید. تحت این شرایط هندوراس و مکزیک افزایش متوسط تعرفه در بسته‌های صادراتی خود را بیش از ۶۰ درصد تجربه می‌کنند. لذا برخی از کشورهای کوچک و فقیر مانند هائیتی و هندوراس افزایش بسیار بیشتری در تعرفه‌ها را تجربه خواهند کرد. این نتایج حاکی از آن است که یک جنگ تمام‌عیار تجاری برنده نخواهد داشت (Nicita & Olarreaga & da Silva. 2018).

د) اگر آمریکا بنا بر وعده ترامپ تعرفه ۴۵ درصدی بر چین را اعمال نماید و توافق جدید نفتا دچار مشکل در اجرا شده و وعده تعرفه ۳۵ درصدی به مکزیک عملی گردد، میانگین «نرخ تعرفه مؤثر» آمریکا حدود ۱۲-۱۱ واحد بالا رفته و از ۱/۵٪ به ۱/۱۳٪ خواهد رسید که این رقم از جنگ جهانی دوم به بعد بی‌نظیر است. در صورت وقوع تعرفه بدیهی است که قیمت کالاهای وارداتی افزایش خواهد یافت و در صورت عدم مقابله به مثل توسط سایر کشورها در این صورت تولیدناخالص داخلی واقعی ابتدا کمی بالا می‌رود اما با افزایش تورم و بالا رفتن قیمت‌های مصرف‌کننده، درآمدهای حقیقی مصرف‌کننده کاهش و در پی آن نرخ رشد تولیدناخالص داخلی کاهش می‌یابد. در حالت مشابه اما با اعمال تعرفه متقابل نیز در همان ابتدا صادرات آمریکا تحت تأثیر و کند خواهد شد و رشد تولیدناخالص داخلی واقعی در این حالت کم‌تر از حالت قبلی نیز

خواهد شد و مخارج مصرف‌کننده نیز کاهش خواهد یافت و تورم پایه در هر دو حالت بالا خواهد رفت و حدوداً ۲/۲ درصد افزایش می‌یابد (هاتزیوس و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۱).

۳-۴- واکنش‌های مقابله‌گرا

به‌طور منطقی همراه با افزایش استفاده از تدابیر حفاظتی مانند مواد ضد دامپینگ و امنیت ملی، آن‌هم بدون هیچ‌گونه پابندی به نظام تجاری مبتنی بر قواعد توسط بزرگ‌ترین اقتصاد جهان، طبیعی می‌نماید که کشورهای دیگر شروع به شکستن قوانین کرده و حتی به‌سوی نوعی جنگ تجاری سوق یابند (McKibbin & Stoeckel. 2017: 8-11). به‌عبارت دیگر، سیاست حمایت از تجارت، امکان دارد که به بروز سیاستی جهانی برای مقابله با آن منجر شده (Felbermayr & Steininger & Yalcin. 2017) و حتی شرکای تجاری آسیب‌دیده از اقدامات آمریکا، در صدد چالش آفرینی در برابرش برآیند و از طریق سازمان تجارت جهانی غرامت مطالبه کنند. به‌علاوه ممکن است به جای صبر برای دفاع در سازمان تجارت جهانی، علیه صادرات آمریکا، مالکیت معنوی و یا منافع سرمایه‌گذاری، اقدام به تلافی کنند. لذا در ادامه به آرایایی توجه می‌شود که بر محور راهکارهای مقابله‌گرا با سیاست‌های حمایتی آمریکا مطرح شده:

الف) نولان و همکارانش در سال ۲۰۱۶ سه سناریو از جنگ تجاری برای آثار سیاست‌های تجاری ترامپ طراحی کردند: جنگ تجاری نامتقارن^۱، جنگ تجاری کامل^۲، جنگ تجاری بی‌نتیجه (خاتمه‌یافته)^۳. بر این اساس اولین سناریو، جنگ تجاری کامل است که در آن کشورها به‌طور متقابل به تعرفه‌های جدید ترامپ با تعرفه‌های مشابه در صادرات ایالات‌متحده واکنش نشان می‌دهند. در سناریوی دوم، کشورها در برابر صادرات کالا و خدمات خاص ایالات‌متحده تلاش می‌کنند. در سناریوی سوم، جنگ تجاری بی‌نتیجه (خاتمه‌یافته)، تعرفه‌های آمریکا به‌طور یک‌جانبه به مدت یک‌سال تحمیل می‌شوند و سایر کشورها برای همین دوره انتقام خواهند گرفت (Hufbauer & Jung. 2016).

ب) با تخلف از مقررات و یا خروج احتمالی از سازمان تجارت جهانی و اعمال محدودیت برای تجارت‌آزاد و تحمیل تعرفه‌های یک‌جانبه تجاری به کشورها توسط ایالات‌متحده، کشورهای دیگر می‌توانند به‌سمت ائتلاف و پیمان‌های اقتصادی چندجانبه

1. asymmetric trade war

2. full trade war

3. aborted trade war

برای مقابله با اقدامات آن پیش‌روند. به‌علاوه این تعرفه‌ها مشکلات ناشی از جنگ تجاری با مثلاً چین و مکزیک را برای آمریکا دوچندان می‌کند. به‌صورت کلی اقدامات تلافی‌جویانه تجاری توسط اعضای سازمان تجارت جهانی در برابر ایالات متحده، وضعیت کشورها را بهبود نخواهد داد که این را می‌توان به وابستگی شدید اقتصادهای داخلی در بازار ایالات‌متحده نسبت داد (Felbermayr & Steininger & Yalcin, 2017).

ج) در دوره ترامپ محدودیت‌های تجاری بیشتر می‌شوند اما مقدارش کمتر از آن چیزی است که وی وعده داده و مورد انتظار است. انتظار می‌رود میانگین تعرفه‌های وارداتی آمریکا بالاتر روند اما فرض این است که دولت وی یک‌سوم آن‌چه را که وعده داده اجرایی کند که این به معنای افزایش ۴ درصدی در میانگین تعرفه‌های وارداتی آمریکا یا به‌شکل حدودی اعمال تعرفه‌ها در جایگاهی است که در طول دولت ریگان قرار داشت (هانزیوس و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۶).

۴- اقدامات صورت‌گرفته و الگوی تعامل با بازیگران محوری اقتصاد بین‌الملل بر محور حمایت‌گرایی اقتصادی

۴-۱- چین

کسری تجاری ایالات‌متحده با چین در سال ۲۰۱۶ به حدود ۳۴۷ میلیارد دلار بالغ می‌شد. ترامپ چین را به دستکاری نرخ ارز متهم کرده و تأکید داشت که فعالیت‌های تجاری نامناسب به اندازه میلیون‌ها شغل در ایالات‌متحده هزینه داشته‌است (Gaudiosi, 2018). اما از نقطه نظر تاریخی، کسری تجاری ایالات‌متحده در اوایل دهه ۱۹۷۰، سه دهه قبل از کسری بودجه با چین آغاز شده بود. در واقع، کسری ایالات‌متحده تاریخی است نه متعلق به دوره اخیر و این کسری چند جانبه است و نه دوجانبه (Steinbock, 2018: 522-523). با این حال ترامپ طی مبارزات انتخاباتی، بارها تهدید کرده بود که در اولین روز ریاستش چین را به عنوان دولت «دستکاری کننده ارز»^۱ اعلام و به موجب قانون ایالات‌متحده برای مقابله با چنین حرکتی، نخست مذاکرات و سپس اقدام تلافی‌جویانه احتمالی را آغاز خواهد کرد. همچنین وی تهدید کرده بود که ۴۵ درصد تعرفه واردات بر چین اعمال خواهد کرد تا با اقدامات تجاری «ناعادلانه» که شامل دستکاری

1. currency manipulator

ارز نیز می‌شود، مقابله کند (McKibbin & Stoeckel. 2017: 9). هنگامی که رئیس‌جمهور ترامپ استراتژی امنیت ملی ۲۰۱۷ را معرفی کرد، چین رقیب استراتژیک آمریکا و حتی یک «حریف»^۱ خوانده شد (Steinbock. 2018: 521). بر این اساس در ۳ آوریل ۲۰۱۷ ترامپ بیان کرد که قصد دارد تعرفه ۲۵ درصدی بر ۱۳۰۰ کالای چینی را اعمال نماید که شامل تلویزیون، قطعات هواپیما و وسایل پزشکی نیز می‌شود. بنابر اعتقاد ترامپ، چین با اعمال محدودیت‌های غیرتعرفه‌ای مانع از افزایش صادرات ایالات متحده به آن کشور می‌شود، همچنین چین «حق مالکیت معنوی و کپی‌رایت»^۲ محصولات آمریکایی را رعایت نمی‌کند و با تولید ارزان و کپی غیرقانونی از آنها، به صنعت آمریکا لطمه وارد می‌سازد. وی تصریح داشت که با وضع تعرفه‌های جدید واردات ۵۰ میلیارد دلاری کالاهای چینی را هدف قرار داده‌است (fa.euronews. 2018).

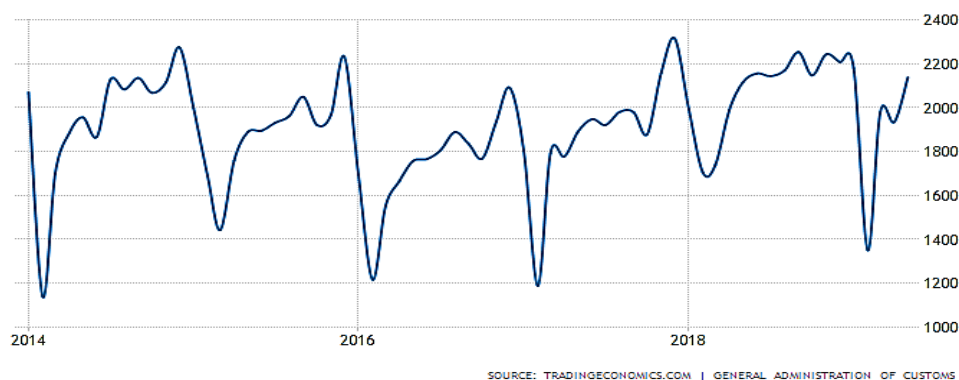
از ژانویه ۲۰۱۸ دولت آمریکا اقدامات مختلفی را مطرح نمود که از نظر بسیاری آغاز «جنگ تجاری» بود. این تعرفه‌ها تحت یکی از مقررات سازمان تجارت جهانی به‌عنوان ممنوعیت وارداتی که امنیت ملی را تهدید می‌نماید، اعمال شد. به‌دنبال آن، تحریم‌های تجاری بیشتر و بیشتری علیه چین اعمال شد که شامل محدودیت سرمایه‌گذاری و تعرفه‌های مربوط به دیگر صادرات چین است که طی مراحل مختلف تحمیل شد (UNITED NATIONS. 2018: 8-9). نهایتاً پس از یک سال تهدید، دولت ترامپ یک «جنگ تعرفه‌ای» علیه چین را در مارس ۲۰۱۸ آغاز کرد. این تدابیر در اوایل جولای ۲۰۱۸ موثر شدند. آنچه که بر روی فولاد و آلومینیوم آغاز شد به زودی به حقوق مالکیت معنوی و تکنولوژی بسط یافت (Steinbock. 2018: 518-519). اقدامی که ترامپ در اعمال تعرفه‌های جدید بر برخی از کالاهای چینی اعمال کرد در اصل عوارض ضد دامپینگ (ضد قیمت‌شکنی)^۳ نام دارد. این عوارض برای مقابله با تجارت غیرمنصفانه وضع می‌گردد. «برپایه آن دولت شاکای عوارضی را بر محصولات وارداتی که در کشور رقیب با قیمتی کم‌تر از کالای مشابه داخلی وضع می‌کند. این سیاست پیامدهای مختلفی دارد که از دریچه سیاست‌خارجی به مقابله احتمالی کشوری که بر وی محدودیت اعمال شده، می‌توان اشاره کرد» (صباغیان، ۱۳۸۵: ۱۰۶).

1. adversary
2. Intellectual Property and Copyright
3. anti-dumping duties

از بهار ۲۰۱۸، ایالات متحده سه مرحله از تعرفه را برای واردات از چین اعمال کرده است. در اواسط ماه ژوئن ۲۰۱۸ و اواخر ماه اوت، تعرفه ۲۵ درصدی به ترتیب بر روی ۳۴ میلیارد دلار و ۱۶ میلیارد دلار صادرات چینی اعمال شد. در واکنش، چین نیز دست به انتقام‌گیری زد و جنگ تجاری میان دو کشور وارد فاز جدیدی شد. در اواخر سال ۲۰۱۸، چین با اعمال تعرفه‌های تلافی‌جویانه به ارزش ۱۱۰ میلیارد دلار بر کالاهای آمریکایی پاسخ داد. با این حال در اوایل ماه دسامبر ۲۰۱۸، چهارمین دوره تعرفه‌ها از سوی آمریکا اعمال شد (Steinbock. 2018: 524). تمام این اتفاقات حاکی از وقوع جنگ تجاری بین ایالات متحده و چین بود، جنگی که پیش‌بینی می‌شد تمام نظام اقتصاد بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده است (P. Bown, Jung & Lu. 2018).

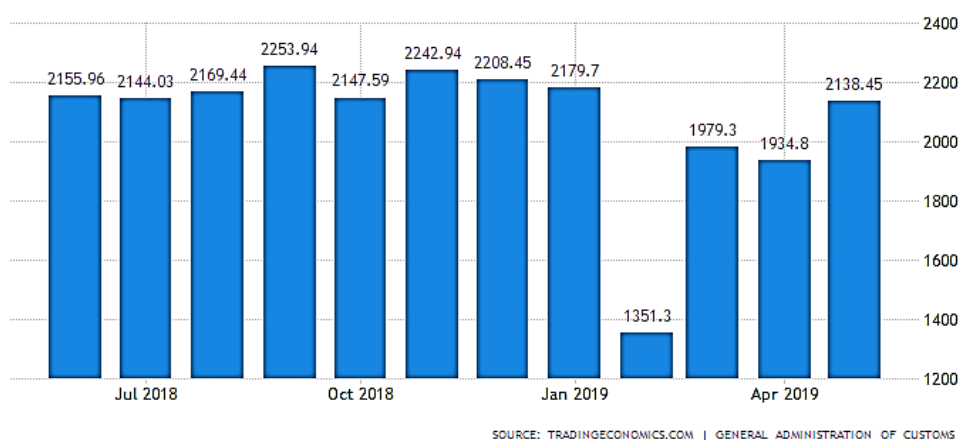
این کشمکش‌ها میان دو طرف ادامه داشت تا اینکه در نشست G20 در ژوئن ۲۰۱۹، دو کشور توافق کردند تا آتش بس موقتی اعلام نمایند (Lemire & Miller. 2019). لکن اندکی بعد و در ماه آگوست ترامپ تهدید کرد که تعرفه اضافی را بر روی ۳۰۰ میلیارد دلار کالاها و محصولات باقیمانده چینی اعمال می‌کند (Streetinsider.com. 2019). چین نیز در واکنش به شرکت‌های دولتی خود اعلام نمود که دستور خواهد داد تا خرید کالاهای کشاورزی را از آمریکا متوقف کنند. (Fickling. 2019). همانطور که ترامپ وعده داده بود از اول سپتامبر ۲۰۱۹ تعرفه‌های جدید به کالاهای چینی با ارزش بیش از ۱۲۵ میلیارد دلار اعمال شد (Wong & Chipman Koty. 2019). چین نیز از اول سپتامبر تعرفه‌های اضافی ۵ تا ۱۰ درصدی را بر ۱۷۱۷ مورد از کالاهای آمریکا به ارزش ۷۵ میلیارد دلار اعمال نمود و همچنین برای اولین بار تعرفه ۵ درصدی را بر نفت خام آمریکا اعمال کرد (CNBC. 2019). چین پس از نیمه سپتامبر اما ۱۶ قلم کالا را به مدت یکسال از تعرفه اضافی معاف کرد که شامل داروهای سرطانی، خوراک دام و... می‌شود. ترامپ نیز در توییتی اعلام کرد که از اول تا ۱۵ اکتبر، اعمال تعرفه‌های گمرکی بر ۲۵۰ میلیارد دلار کالا چینی را متوقف می‌کند (Wong & Chipman Koty. 2019).

این کشمکش‌ها و اعمال تعرفه، مذاکرات و آتش‌بس‌ها میان دو طرف همچنان ادامه دارد لکن باید گفت این تعرفه‌ها آن اثری را که آمریکا به دنبالش بود را بر اقتصاد چین بر جای نگذاشت. نمودار زیر روند صادرات چین را نشان می‌دهد. همانطور که مشهود است میزان صادرات چین سیر طبیعی خود را ادامه داده و حتی نزولی هم که در اواخر سال ۲۰۱۸ و اوایل ۲۰۱۹ داشته امری عجیب نیست و در سایر بازه‌های زمانی هم اتفاق افتاده است.



(Tradingeconomics, 2019)

همچنین مشاهده صادرات چین از سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که تقریباً صادرات چین با ثبات همراه بوده و به‌جز دوره کوتاهی که در نمودار بالا تکرارپذیریش نشان داده شده، صادرات چین روند ثابتی را طی کرده است.



(Tradingeconomics, 2019)

۴-۲- اتحادیه اروپا

رابطه اقتصادی آمریکا و اتحادیه‌اروپا بزرگترین و پیچیده‌ترین رابطه اقتصادی در جهان است و رقم تجارت دوجانبه آن‌ها چیزی بیش از ۱/۱ تریلیون دلار در سال است. اما بنابر اعتقاد آمریکا، صادرکنندگان آمریکایی در بخش‌های کلیدی با تعرفه‌های متعدد و

موانع غیر تعرفه‌ای برای دهه‌ها مواجه بوده‌اند و به چالش کشیده شده‌اند که منجر به عدم تعادل تجاری مزمن با اتحادیه اروپا شده است. به عنوان مثال کسری تجاری آمریکا در برابر اتحادیه اروپا ۱۵۱/۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ بوده است (United States-European Union Negotiations, 2019: 1).

یکی از تعبیری که در خصوص مواضع ترامپ نسبت به اروپا مطرح شده این است که وی درک و برداشت روشن و مناسبی از فرآیند یکپارچه‌سازی اروپایی ندارد. در این مورد به دیدگاه حمایت‌گرایانه وی نسبت به برگزیت اشاره شده که نشانگر غفلتش از این واقعیت است که صلح، ثبات و کامیابی در قاره تا حد زیادی براساس روند یکپارچه‌سازی اروپایی قرار یافته است. در کنار نکته مزبور، موضوع «مشارکت بیشتر اروپا در هزینه‌های دفاعی ناتو» از مواردی است که از ابتدا در دستور کار ترامپ قرار داشت. در هر حال، وجود این واقعیت که (به تعبیر کاپلان) ناتو تنها پل ارتباطی و نهادی است که به صورت رسمی ایالات متحده را به متحدانش در اروپا متصل می‌کند؛ مانع از آن نمی‌شد که ترامپ از سطح مشارکت متحدین اروپایی در امور دفاعی که می‌بایست حداقل معادل دو درصد از تولید ناخالص داخلی باشد؛ ابراز نارضایتی ننماید (Larres, 2017).

نکته بعد در چارچوب روابط فرا آتلانتیکی، به تنش حاصل از اعمال تعرفه‌هایی جدید از سوی آمریکا بازمی‌گردد. دولت ترامپ در ابتدای سال ۲۰۱۷ تعرفه‌هایی را بر واردات از سایر شرکای تجاری ایالات متحده تحمیل کرد تا از سیل ورود فولاد و آلومینیوم ارزان قیمت به کشور جلوگیری کند. رهبران اروپا امیدوار بودند که واشنگتن اتحادیه اروپا را به عنوان بزرگ‌ترین متحد خود از تعرفه‌ها معاف کند یا سازوکاری سهمیه‌ای را اعمال نماید. اما آمریکا تصمیم گرفت ۲۵٪ تعرفه اضافی برای فولاد و ۱۰٪ آلومینیوم را اجرا کند. اتحادیه اروپا نیز در واکنش به این عمل بیان نمود که برای رویارویی با عواقب منفی این تعرفه‌های سنگین، بر واردات فولاد و آلومینیوم از اروپا، اقدامات تلافی‌جویانه جدیدی را انجام می‌دهد که شامل ۲۳ مورد از محصولات فولادی است. کمیسیون اروپا در گزارشی بیان نمود که این اقدامات جدید تلافی‌جویانه که «اقدامات حفاظتی» نام گرفته، با هدف حمایت و حفاظت از صنایع فولاد کشورهای اروپایی به اجرا درآمده است. همچنین ترامپ اعلام کرده بود که برنامه بعدیش در برابر اروپا «اعمال تعرفه علیه شرکت‌های خودروسازی اروپایی» خواهد بود (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۷).

در نتیجه ملاقات ترامپ و ژان کلود ژانکر^۱ رئیس کمیسیون اروپا در ۲۵ جولای ۲۰۱۸ تعرفه جدید اعمال نشد و توافق شد تا دو طرف تلاش کنند تا تمام تعرفه‌های صنعتی موجود را حذف و همکاری‌های خود را بهبود ببخشند. در پی این توافق در ۱۵ آپریل ۲۰۱۹ کشورهای عضو اتحادیه اروپا با مذاکرات رسمی با آمریکا درباره ارزیابی انطباق و حذف تعرفه‌ها بر محصولات صنعتی موافقت کردند و آن را به کمیسیون ارائه دادند. ژانکر بیان داشت: «... ما خواهان یک وضعیت برد-برد در تجارت هستیم که هم برای اروپا و هم آمریکا مفید است و خواهان کاهش تعرفه‌های مربوط به محصولات صنعتی هستیم چرا که منجر به افزایش بیشتر در صادرات اتحادیه اروپا و ایالات متحده تا حدود ۲۵ میلیارد دلار می‌شود...» (Europa.eu. 2019). با این حال، کسری تجاری کالاهای ایالات متحده با کشورهای عضو اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۸، ۱۶۹/۳ میلیارد دلار بود که افزایشی ۱۱/۸٪ (۱۷/۹ میلیارد دلار) را نسبت به سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد (Ustr.gov. 2019).

نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که توافق جدید مسلماً همه را راضی نمی‌کند. مسئله و نقطه اصلی انتقاد از ترامپ هم معطوف به خروج آمریکا از توافقنامه آب‌وهوایی پاریس است که هم پارلمان اروپا و هم فرانسه آن را به‌عنوان خط قرمز برای توافق جدید تجاری می‌بینند. اما نکته حائز اهمیت دیگری نیز هست و آن اینکه اولویت آمریکا در مذاکرات تجاری چین است و این نشانگر این است که توافق با اروپا به زودی به پایان نمی‌رسد (Burchard. 2019).

۴-۳- نفتا

توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی معروف به نفتا، از سال ۱۹۹۴ به اجرا در آمد و منجر به تجارت آزاد کالا و خدمات در کل منطقه آمریکای شمالی (ایالات متحده، کانادا و مکزیک) شد (سالواتوره، ۱۳۹۱: ۴۳۷). هدف اول آن گسترش تجارت میان این سه کشور و هدف دوم این بود که این کشورها را در بازار جهانی رقابتی‌تر کنند. این پیمان در دستیابی به هر دو هدف موفقیت‌های زیادی بدست آورده است. از جمله باعث شده که تجارت منطقه‌ای از حدود ۲۹۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۳ به بیش از ۱/۱ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۶ افزایش یابد. سرمایه‌گذاری متقابل مرزی نیز افزایش یافت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) در مکزیک از ۱۵ میلیارد دلار به بیش از ۱۰۰

1. Jean-Claude Juncker

میلیارد دلار رسید. پس از نفتا تجارت ایالات‌متحده با همسایگان آمریکای شمالی، بیش از سه برابر شد. طرفداران نفتا تخمین زده‌اند که حدود ۱۴ میلیون شغل به تجارت با کانادا و مکزیک متکی است (Council on Foreign Relations. 2017).

هر چند این توافق نمونه‌ای از یک همگرایی منطقه‌ای محسوب شده، اما دستاوردهای مزبور باعث نشد که از گزند حملات ترامپ در امان بماند. وی درباره نفتا بارها صحبت کرده است، مثلاً در دوم ژوئن ۲۰۱۸ بیان داشت: «نفتا توافقی فاجعه بار برای آمریکا بود. ما سالیانه صد میلیارد دلار در برابر مکزیک و میلیاردها دلار دیگر نیز در برابر کانادا از دست می‌دهیم. کانادا در برداشتن محصولات کشاورزی و دیگر محصولات ما بسیار محدود عمل می‌کند و من به اقدام متقابل باور دارم. هیچ رئیس‌جمهور پیشتر این کار را نکرده است ولی ما انجام می‌دهیم. احتمالاً یک قرار داد مجزا با کانادا و قراردادی مجزا با مکزیک داشته باشیم زیرا با دو کشور متفاوت طرف حساب هستیم... قرار نیست دیگر اوضاع به همان شکل پیش برود... با این حال فرصت داریم توافقی خوب با آنها به دست آوریم و آمریکا را بار دیگر به عظمت برسانیم» (خبرآنلاین، ۱۳۹۷). این نوع موضع‌گیری به معنای عدم پیروی از منطقه‌گرایی اقتصادی و همگرایی منطقه‌ای و حرکت به سمت دوجانبه‌گرایی در معادلات منطقه‌ای است. برخی پیش‌بینی‌ها برای این معنا صراحت داشت که صادرات کالاها و خدمات ایالات‌متحده به کانادا به ۳۳ میلیارد دلار و به مکزیک با ۱۷ میلیارد دلار کاهش یابد، که البته افزایش حجم صادرات ایالات‌متحده به اروپا و سایر نقاط جهان این زیان را جبران نمی‌کند (Felbermayr & Steininger & Yalcin. 2017: 39) در مقابل، مقامات مکزیکی و کانادایی نیز بررسی زمینه‌های مورد علاقه متقابل را در دستور کار قرار دادند. ترامپ از تعرفه‌ها به‌عنوان اهرم فشار در طول فرآیند مذاکرات استفاده کرد (Schneider-Petsinger. 2017). در ۵ مارس سال ۲۰۱۸ بعد از هفتمین دور مذاکرات نفتا، وی اعلام کرد که اگر کانادا و مکزیک با توافقنامه جدید نفتا موافقت کنند، آنها را از تعرفه‌های فولادی معاف خواهند کرد. ناگفته نماند که اول مارس او ۳۵ درصد تعرفه برای فولاد و ۱۰ درصد تعرفه آلومینیوم اعلام کرد و در ۳۱ مه نیز اعلام کرد تعرفه به کانادا، مکزیک و اتحادیه اروپا اعمال خواهد شد. کانادا نیز در مقابل در صدد اعمال تعرفه به ۱۲/۶ میلیارد دلار واردات ایالات‌متحده برآمد (Amadeo. 2018).

۴-۴- سازمان تجارت جهانی

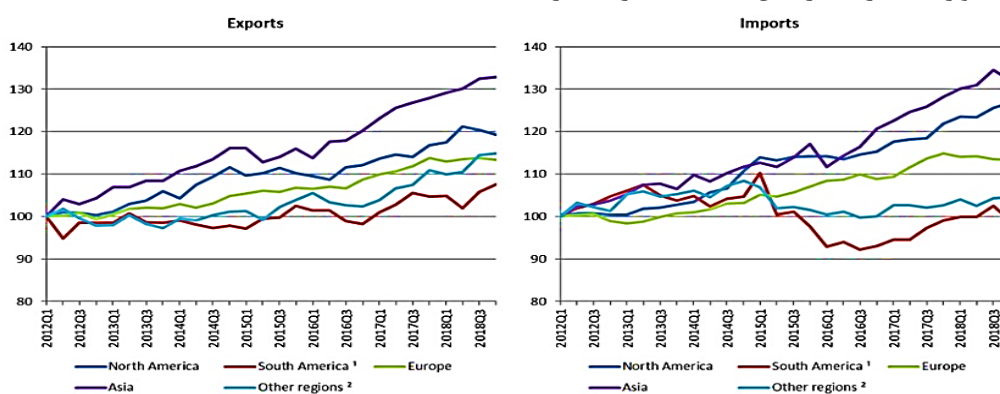
ایالات متحده به‌عنوان عضو اصلی سازمان تجارت جهانی، تاکنون در سیاست‌گذاری‌های آن سازمان نقش کلیدی را داشته است. ترامپ بارها از سازوکار سازمان تجارت جهانی انتقاد و طی سخنرانی‌های مختلف تهدید به خروج از این سازمان نموده است. مثلاً در مجمع عمومی سازمان ملل بیان کرد: «بسیاری از کشورها در این سالن موافق هستند که نظام تجارت جهانی به‌شدت نیازمند تغییرات است. سازمان تجارت جهانی ناقض هر اصولی است که بر پایه آن قرار دارد» (ایبنا، ۱۳۹۷). پیش از این نیز در مصاحبه با بلومبرگ احتمال خروج از WTO را مطرح نمود «اگر سازمان تجارت جهانی اصلاح نشود، آمریکا از عضویت این سازمان خارج می‌شود» (خبرگزاری مهر، ۹۷). به‌طور منطقی این نوع تقابل با سازمان مزبور و شالوده قانونی آن که به‌شدت متأثر از نقش و رفتار ایالات متحده بوده است، فضا را برای اعتراض و رویارویی با این دولت در صحنه سازمان فراهم می‌کند. از سوی دیگر، برخی بر این باور بودند که ترامپ با خروج از این سازمان به سمت دوجانبه‌گرایی حرکت می‌کند تا منافع آمریکا را به صورت دوجانبه بر اساس مذاکرات مجزا با کشورها تأمین کند و از بسیاری از ابزارهای غیراقتصادی برای فشار برای امتیازگیری اقتصادی استفاده نماید (Schneider-Petsinger, 2017).

به‌طور منطقی پیش‌بینی می‌شد که وضعیت یاد شده روند تجارت جهانی را با اخلال مواجه کند و حتی بقای سازمان تجارت جهانی را به‌خطر اندازد. تنظیم تعرفه‌های مرزی پیشنهادی - که می‌تواند زمینه بزرگ‌ترین انتقام مجاز توسط سایر کشورها را ایجاد کند - ممکن است منجر به مرگ سازمان تجارت جهانی شود. بر این مبنای تهدید ناشی از رویارویی آمریکا با سازمان تجارت جهانی، می‌توانست زمینه بروز نوعی نبرد تجاری را فراهم کند (Handley & Limão, 2017). ناگفته نماند که سلاح اصلی در برابر شیوه‌های تجاری ناعادلانه، مقررات ضد دامپینگ است. اما استفاده از قوانین مزبور به‌دلیل روش‌های برآورد در ایالات متحده (و بسیاری از کشورهای دیگر)، به‌عنوان معیار محافظتی از تولید ملی به کار می‌رود (McKibbin & Stoeckel, 2017). رویکرد کلی استراتژی اقتصادی ترامپ می‌تواند به‌طور جدی به اعتبار سیستم تجارت جهانی برای سال‌ها آسیب برساند. تشدید موانع تجاری آمریکا و به‌کارگیری ابزارهایی که مطلوب ترامپ می‌باشد، از پتانسیل لازم برای تضعیف نظام تجارت مبتنی بر قواعد برخوردار است. نتیجه نهایی تاکتیک‌های دولت ترامپ می‌تواند این باشد که سایر کشورها اقدام متقابل نموده و حتی از سازمان تجارت جهانی عبور کنند.

۴-۵- تأثیرات جهانی حمایت‌گرایی دونالد ترامپ

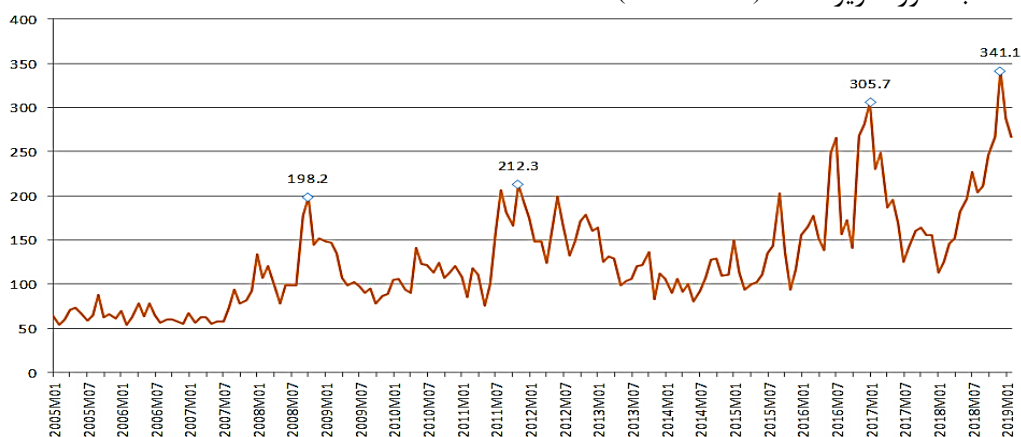
در سال ۲۰۱۷، آمریکا و چین بزرگ‌ترین شریک تجاری یکدیگر بودند. اهمیت جهانی اقتصاد آمریکا و چین، همانطور که توسط تولید ناخالص داخلی‌شان (GDP) اندازه‌گیری شد، می‌تواند به دو روش نشان داده شود که چالش‌های انتقال قدرت جاری را روشن خواهد کرد: یکی شامل افزایش اقتصاد چین نسبت به تولید ناخالص داخلی ایالات متحده است؛ دیگری بر تغییرات همزمان جهانی شدن تمرکز دارد. همچنین در این سال تجارت جهانی رشد قابل توجهی داشت. اما به دلیل افزایش تنش‌های تجاری و افزایش عدم اطمینان اقتصادی، سازمان تجارت جهانی هشدار داد رشد جهانی تجارت از دست دادن حرکت و خطرات رکود در اقتصاد جهانی است (Steinbock, 2018: 518-521).

بنا بر برآورد سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۱۸، به دلیل تقاضای ضعیف اروپا و آسیا برای واردات و سهم عمده آن‌ها در تجارت جهانی، رشد حجم تجارت جهانی کاهش یافت. نمودار زیر میزان تجارت مناطق مختلف را نشان می‌دهد. نکته حائز اهمیت این است که در سال ۲۰۱۸ صادرات منطقه آمریکا شمالی و اروپا کاهش داشته اما برای آسیا این رقم افزایشی بوده است. همچنین واردات آسیا و اروپا کم شده اما واردات آمریکای شمالی زیاد شده است. تنش‌های تجاری شدید نمی‌توانند همه کاهش تجارت در سال ۲۰۱۸ را توضیح دهند اما بی‌شک نقش بسیار مهمی را در این امر ایفا می‌کنند. اگر به این نکته توجه داشته باشیم که کشور اصلی اقتصادی آمریکای شمالی ایالات متحده و آسیا چین است پس با توجه به نمودار زیر سیاست تجاری آمریکا آن‌طور که انتظار داشته کار نکرده است. حتی واردات آمریکا در سال ۲۰۱۸، ۵٪ رشد نیز داشته است. (WTO, 02/04/2019)



بر اساس سال پایه ۲۰۱۲=۱۰۰

پس می‌توان نتیجه گرفت که اعمال سیاست‌های حمایتی آن کارایی را که آمریکا از آن داشت، عملی نساخت و واردات آمریکا با افزایش مواجه شد و به‌صورت کلی تجارت جهانی آسیب ندید. با این وجود اما برآوردی دیگر نشان داد که در سال ۲۰۱۸ عدم قطعیت سیاست اقتصادی جهانی رو به افزایش بوده است و بیشترین میزان رسیده است. نمودار عدم قطعیت سیاست اقتصادی جهانی، ژانویه ۲۰۰۵ تا فوریه ۲۰۱۹ به صورت زیر است: (WTO. 2019)

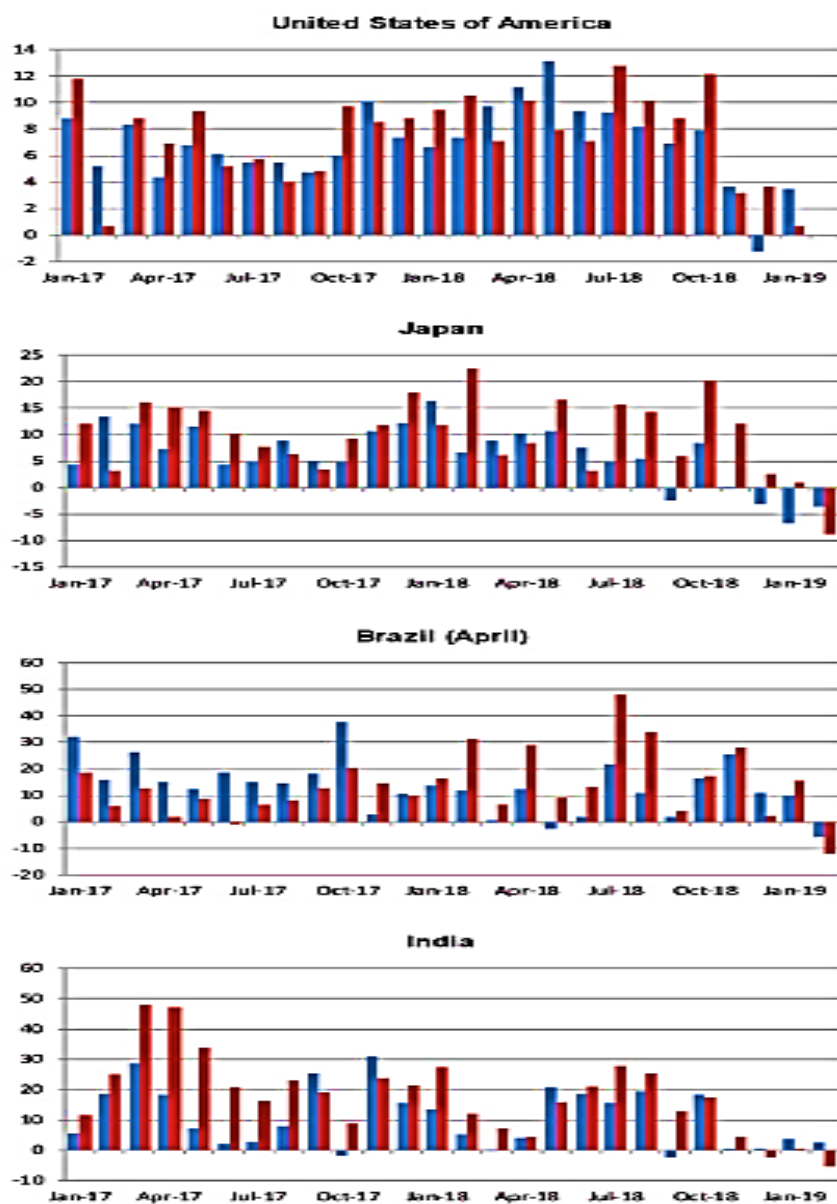


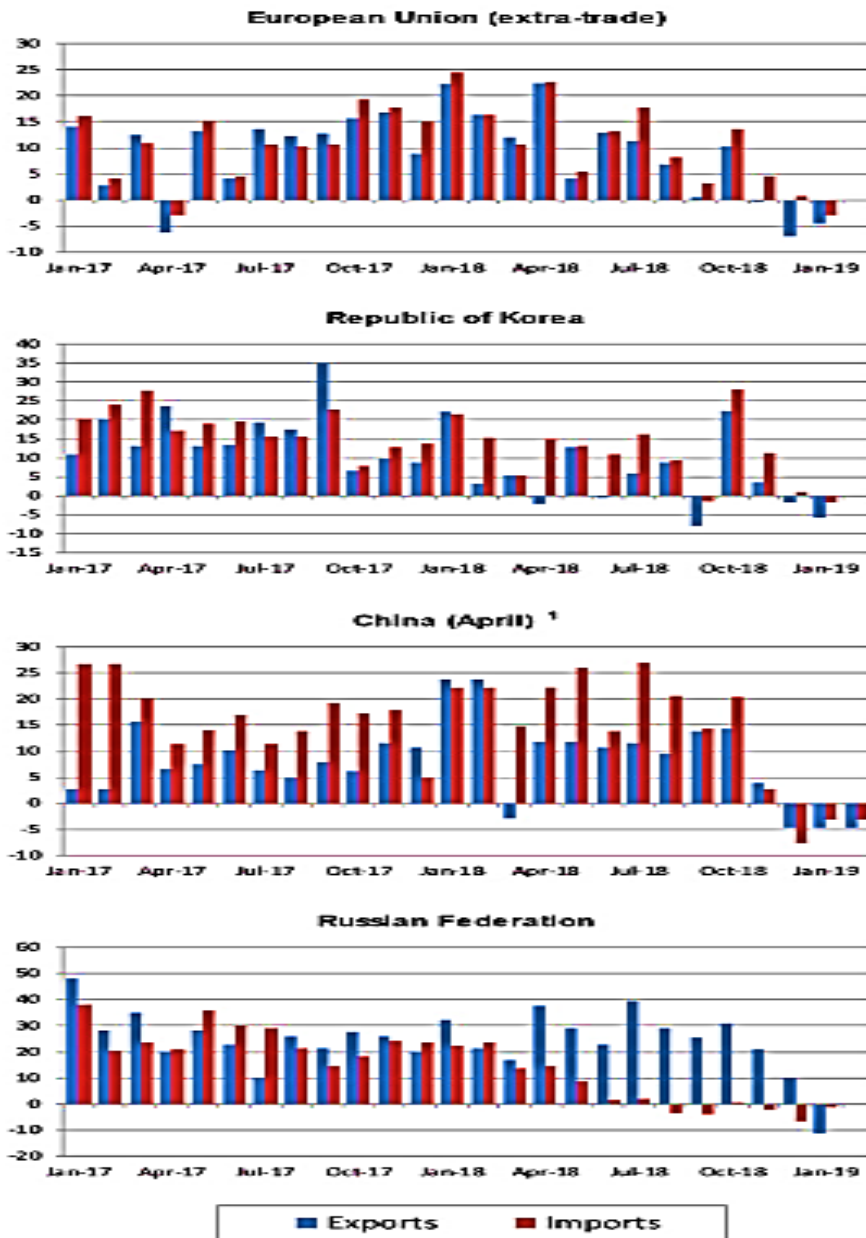
نمودار زیر میزان تجارت اقتصادهای بزرگ را نشان می‌دهد. بر این اساس آمریکا همچنان با تراز منفی تجاری روبروست و چین پیش‌تاز در صادرات جهانی است. (WTO. 02/04/2019)

Rank	Exporters	Value	Share	Annual % change	Rank	Importers	Value	Share	Annual % change
1	China	2487	12.8	10	1	United States of America	2614	13.2	9
2	United States of America	1654	8.5	8	2	China	2136	10.8	16
3	Germany	1561	8.0	8	3	Germany	1286	6.5	11
4	Japan	738	3.8	6	4	Japan	749	3.8	11
5	Netherlands	723	3.7	11	5	United Kingdom	674	3.4	5
6	Korea, Republic of	605	3.1	5	6	France	673	3.4	9
7	France	582	3.0	9	7	Netherlands	646	3.3	12
8	Hong Kong, China	569	2.9	3	8	Hong Kong, China	628	3.2	6
				*					
	Domestic exports	13	0.1	30		Retained Imports ¹	155	0.8	12
	Re-exports	556	2.9	5					
9	Italy	547	2.8	8	9	Korea, Republic of	535	2.7	12
10	United Kingdom	486	2.5	10	10	India	511	2.6	14

دوره دوم / شماره اول / بهار و تابستان ۱۳۹۸

در نمودار زیر میزان صادرات و واردات کالا را در اقتصادهای منتخب مشاهده می‌کنیم. ملاحظه می‌شود که رشد حجم تجارت کالا در جهان طی ماه‌های اولیه سال ۲۰۱۹ کم شده و می‌توان یکی از دلایل اصلی این کاهش و نوعی اخلال در تجارت جهانی را طی این ماه‌ها ناشی از سیاست حمایت‌گرایی و مقابله به‌مثل سایر کشورها خصوصاً چین با این سیاست آمریکا دانست که ثمره خود را طی این ماه‌ها نشان داده است. اما باید توجه نمود با وجود اینکه تجارت کاهش یافته اما روند تجاری آمریکا همچنان صعودی مانده است. طی این ماه‌ها رشد تجارت برای چین و اتحادیه اروپا منفی شده است. پس این سیاست‌ها تأثیرات مقطعی منفی بر روی تجارت دارد اما این به‌معنی بهبود تراز تجاری برای آمریکا نیست، زیرا بنابر نمودارهای فوق، با وجود افزایش در میزان تجارت، تراز تجاری آمریکا منفی‌تر شده است. اما نکته‌ای که برای چین حائز اهمیت است این است که از ژانویه ۲۰۱۷ به‌صورت تقریباً مداوم، میزان تغییرات واردات در برابر صادرات افزایش چشم‌گیری داشته و با وجود اینکه چین همچنان دارای تراز تجاری مثبت با اختلاف بسیار مناسبی است اما این روند در بلندمدت می‌تواند چین را با چالش مواجه کند و لذا از این لحاظ می‌توان گفت که این سیاست‌های حمایتی و وضع تعرفه‌های آمریکا بر چین نیز مؤثر واقع شده‌اند (WTO. 02/04/2019)





(Year-on-year % change in current dollar values)

نتیجه‌گیری

به‌نظر می‌رسد که یکی از مشخصه‌های الگوی نقش آفرینی امریکا در طول دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، بازنگری در روندهای مرسوم سیاست بین‌الملل بوده و بر همین مبنا، سعی داشته که ردپای مشخص و تأثیرگذاری از نظام ارزشی و هنجاری مطلوب خود در گستره مزبور اعمال نماید. در واقع، همین رویکرد در کنار واکنش‌های اعمالی از سوی دیگر بازیگران این عرصه، باعث شده که از جمله در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌المللی، سیاست‌ها، نهادها و رویه‌های نوظهوری پا گرفته و شالوده نظام جدید اقتصادی جهانی کنونی شکل گیرد. در این میان، رفتار مبتنی بر «تخلف از مقررات تجارت جهانی به‌ویژه در چهره حمایت‌گرائی» مورد تأکید این نوشتار قرار دارد. هر چند نشانه‌هایی از شیوه رفتاری یاد شده در دوره اواما نیز قابل شناسایی است، اما به‌نظر می‌رسد که اقدامات حمایتی ایالات‌متحده از سال ۲۰۱۷، از نوعی تمایل در بافت رهبری این دولت نسبت به بازنگری در ساختار روابط اقتصادی با دیگر دولت‌ها و نهادهای اقتصادی - تجاری بین‌المللی حکایت دارد. ترامپ بر اساس ناسیونالیسم اقتصادی و تأکید بر «امریکا اول» با حمایت از اقتصاد امریکا و اعمال فشار بر رقبای تجاری، در صدد احقاق حقوق از دست رفته آمریکاییان در قبال سایر کشورها است، بر این پایه، وی تمایل زیادی به ادامه روند کنونی نداشته و در عین حال پیگیری منافع از دست رفته (امریکا) را در دستور کار دارد. با این وجود، نمی‌توان رویکرد مزبور را نشانه‌ای بارز بر کاهش تمایل ترامپ به رهبری تجارت جهانی به‌عنوان حامی اصلی و ایجاد کننده جهانی شدن اقتصاد دانست. به‌عبارت دیگر، این دولت به‌عنوان بازیگری که در دنیای پس از جنگ جهانی دوم از نقش تعیین کننده در شکل‌گیری ساختار تجارت و اقتصاد بین‌الملل برخوردار بوده، نمی‌تواند از خطوط قرمز لیبرال‌گرایی بین‌المللی عبور کرده و دامنه خودسری در برابر سازوکارهای ساختار یاد شده را بدون توجه به پی‌آمدهای جهانی و منطقه‌ای به پیش برد. به‌عبارت دیگر، ماهیت بین‌المللی اقتصاد امریکا و حامیان داخلی آن مانند فدرال رزرو، اولین و مهمترین بازیگرانی هستند که در برابر سیاست‌های ترامپ مانع‌سازی خواهند کرد. جریانی که در تلاقی و پیوند با پی‌آمدهای بحران‌سازی چون نبرد تعرفه‌ای با چین، از قدرت بیشتری برخوردار خواهد شد. از سوی دیگر، باید افزود که رویکرد ترامپ به اقتصاد جهانی، به زمینه‌ای برای تمایل دیگر بازیگران برای مذاکرات جدید تجاری تبدیل شده است. به این ترتیب، در کنار آثار منفی داخلی خاصه

در حوزه کشاورزی، رفتار یاد شده فضای «عدم قطعیت» در اقتصاد جهانی را نیز تشدید نمود. در همین راستا، باید به افزایش احتمال نارضایتی در درون دولت‌ها، تشدید موج امریکاستیزی، ظهور ائتلاف‌های اقتصادی یا روابط تجاری جدید و گسترده بر محور مقابله با امریکا و خنثی‌سازی رفتار تجاری آن از جمله میان چین و اروپا یا روسیه و چین و ... اشاره کرد، وضعیتی که بر نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۲۰ تأثیر گذار خواهد بود.

منابع

- «آغاز جنگ تجاری آمریکا و چین؛ کدام یک پیروز می‌شوند؟». (۲۰۱۷/۷/۶). در: <http://fa.euronews.com/2018/07/06/trade-war-usa-china-began-who-win.018/07/06>.
- ایوانز، گراهام و نونام، جفری. (۱۳۹۱). *فرهنگ روابط بین‌الملل*. ترجمه: حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی. چاپ دوم. تهران: نشر میزان.
- «ترامپ: سازمان تجارت جهانی ناقض اصولی است که برپایه آن قرار دارد». (۱۳۹۷/۰۷/۰۴). در: <http://www.ibena.ir/news/91811/>.
- «ترامپ در مورد خروج از تجارت جهانی هشدار داد». (۱۳۹۷/۰۶/۰۹). در: <https://www.mehrnews.com/news/4389746/>.
- «جنگ تجاری بین اروپا و آمریکا آغاز شد». (۱۳۹۷/۰۴/۲۹). در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/04/29/1780906/>.
- دهشیار، حسین. (۱۳۹۵). «ترامپ و محوریت توانمندی‌های اقتصادی و نظامی در قلمرو سیاست خارجی». *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*. شماره ۲۲. ۳۴-۱۵.
- سالواتوره، دومنیک. (۱۳۹۱). *تجارت بین‌الملل*. ترجمه: حمیدرضا ارباب. تهران: نشر نی.
- «سنگاپور میزبان دیداری حساس؛ اعلام تاریخ روز موعود». (۱۳۹۸/۰۳/۱۲). در: <https://www.khabaronline.ir/detail/781102/World/asia>.
- صباغیان، علی. (۱۳۸۵). «حمایت‌گرایی در تجارت جهانی». *فصلنامه پژوهش‌های تجارت جهانی*. شماره ۳ و ۲. ۱۱۵-۸۷.
- قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۳). «مبانی و مؤلفه‌های مفهومی اقتصادسیاسی بین‌الملل». *فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر*. شماره ۲. ۱۱۰-۸۷.
- کفایی، سیدمحمدعلی و دیگران. (۱۳۸۹). «بررسی هزینه و فایده حمایت‌گرایی تجاری در ایران با استفاده از مدل جاذبه». *فصلنامه اقتصاد و الگوسازی*. شماره ۱. ۱۵۰-۱۳۱.
- مجموعه مقالات. (آذر ۱۳۹۵). «سیاست خارجی ترامپ؛ چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های احتمالی». اندیشکده راهبردی تبیین. در: <http://tabyincenter.ir/15060>
- مک‌آدامز، دن پی. (۱۳۹۶). *ذهن دونالد ترامپ: تحلیلی روان‌شناختی از شخصیت دونالد ترامپ*. ترجمه: حمید طاهری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- واعظی، محمود. (۱۳۸۸). «بحران اقتصادی جهان: زمینه‌ها، ابعاد و پیامدها». *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی*. شماره ۱. ۱۸۷-۱۵۵.

هاتزیوس، جان و دیگران در مؤسسه گلدمن ساکس. (۱۳۹۵). «پیامدهای اقتصادی برنامه کاری ترامپ». ترجمه: گروه مدلسازی، دفتر مدلسازی و مدیریت اطلاعات اقتصادی معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی. در:
<http://emim.mefa.ir/portal/file/?337434/Economic-Implications-Of-The-Trump-Agenda.pdf>
 هالستی، کی. جی. (۱۳۹۴). *مبانی تحلیل سیاست بین‌الملل*. ترجمه: بهرام مستقیمی و مسعود طارم‌سری. چاپ هشتم. تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

References

- Amadeo, K. (2019/04/29). Trump's NAFTA Changes. Retrieved on, <https://www.thebalance.com/donald-trump-nafta-4111368>.
- Burchard, H. (2019/04/16). EU-US trade talks move forward, but problems remain. POLITICO. Available at: <https://www.politico.eu/article/eu-us-trade-talks-move-forward-but-problems-remain/>.
- Clarke, M & Ricketts, A. (2017). Donald Trump and American foreign policy: The return of the Jacksonian tradition. *Comparative Strategy*, 36(4).
- Diesen, G. (2017). The Global Resurgence of Economic Nationalism. *Russia In Global Affairs*, 16(2).
- Wolf, R. (2017). Donald Trump's Status-Driven Foreign Policy. *Survival*, 59(5).
- CNBC. (2019/01/09). China starts to impose additional tariffs on some US goods. Available at: <https://www.cnbc.com/2019/09/01/china-starts-to-impose-additional-tariffs-on-some-us-goods.html>.
- Council on Foreign Relations. (2018/10/01). NAFTA's Economic Impact. Available at: <https://www.cfr.org/backgrounder/naftas-economic-impact>.
- Cowie, J. (2017/05/04). What Trump Gets Wrong About NAFTA. Foreign Affairs. Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2017-05-04/what-trump-gets-wrong-about-nafta>.
- Donnan, S. (2019/04/03). Bloomberg -Are you a robot?. Bloomberg.com. Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-03-04/evidence-grows-that-trump-s-trade-wars-are-hitting-u-s-economy>.

- Europa.eu. (2019/04/15). EU-U.S. Trade: Commission welcomes Council's green light to start negotiations with the United States. Available at: http://europa.eu/rapid/press-release_IP-19-2148_en.htm.
- Felbermayr, G., Steininger, M., & Yalcin, E. (2017/11/22). Economic implications of a protectionist US trade policy | VOX, CEPR's Policy Portal. Retrieved on <https://voxeu.org/article/economic-implications-protectionist-us-trade-policy>.
- Felbermayr, G., Steininger, M. & Yalcin, E. (2017). Global Impact of a Protectionist U.S. Trade Policy [Ebook] .Munich: IFO Institute. Retrieved on: https://www.cesifogroup.de/DocDL/ifo_Forschungsberichte_89_2017_Yalcin_etal_US_TradePolicy.pdf.
- Fickling, D. (2019/08/05). China Is Playing Trump on Trade. Available at: <https://www.bloomberg.com/opinion/articles/2019-08-05/china-s-suspension-of-u-s-farm-imports-is-smart-strategy>.
- Gaudiosi, F. (2018/01/15). Economic Nationalism and the Post-Global Future. Retrieved on: <http://www.iai.it/en/pubblicazioni/economic-nationalism-and-post-global-future>.
- Handley & Limão. (2017). Trade under T.R.U.M.P. policies. Retrieved from P.Bown, C. Economics and Policy in the Age of Trump [Ebook]. London: Centre for Economic Policy Research. Retrieved on: <https://voxeu.org/content/economics-and-policy-age-trump>.
- Hufbauer, G., & Jung, E. (2016/09/29). Evaluating Trump's trade policies | VOX, CEPR's Policy Portal. Retrieved on: <https://voxeu.org/article/evaluating-trump-s-trade-policies>.
- McKibbin, W & Stoeckel, A. (2017). Some Global Effects of President Trump's Economic Program. *SSRN Electronic Journal*.
- Larres, K. (2019/06/25). Donald Trump and America's Grand Strategy: U.S. foreign policy toward Europe, Russia and China | Global Policy Journal. Retrieved on <https://www.globalpolicyjournal.com/articles/conflict-and-security/donald-trump-and-america%E2%80%99s-grand-strategy-us-foreign-policy-toward-eu>, Accessed.
- Lemire, J. and Miller, Z. (2019/06/29). Truce in US-China trade war as 2 rivals seek breakthrough. Available at: <https://www.apnews.com/e65bb15053cb437794a464a597ee565f>.
- Nicita, A., Olarreaga, M., & da Silva, P. (2019/05/04). A trade war will increase average tariffs by 32 percentage points | VOX, CEPR's Policy Portal. Retrieved on: <https://voxeu.org/article/trade-war-will-increase-average-tariffs-32-percentage-points>.

- P. Bown, C., Jung, E., & Lu, Z. (2018/06/18). Trump, China, and Tariffs: From Soybeans to Semiconductors. Retrieved on <https://piie.com/blogs/trade-investment-policy-watch/trump-china-and-tariffs-soybeans-semiconductors>.
- Robertson, C. (2017). America First: The Global Trump at Six Months. *The School Of Public Policy*, 9(1).
- Schake, K. (2016). Republican Foreign Policy After Trump. *Survival*, 58(5).
- Steinbock, D. (2018). U.S.-China Trade War and Its Global Impacts. *China Quarterly of International Strategic Studies*, 04(04).
- Schneider-Petsinger, M. (2017/11/03). Trade Policy Under President Trump: Implications for the US and the World. Retrieved from: <https://www.chathamhouse.org/publication/trade-policy-under-president-trump-implications-us-and-world>.
- StreetInsider.com. (2019/08/01). Trump Slaps 10% Tariff on Remaining \$300 Billion in Goods Coming from China. Available at: <https://www.streetinsider.com/ETFs/Trump+Slaps+10%25+Tariff+on+Remaining+%24300+Billion+in+Goods+Coming+from+China/15766341.html>.
- Trifkovic, S. (2017). Trump's foreign policy: A victory for the deep state. *ПОЛИТЕИА*, 7(13).
- Tradingeconomics.com. China Exports, 2019 | Data | Chart | Calendar | Forecast | News. Available at: <https://tradingeconomics.com/china/exports>.
- Tradingeconomics.com. (2019). United States Exports | 2019 | Data | Chart | Calendar | Forecast | News. [Accessed 2019/01/16]. Available at: <https://tradingeconomics.com/united-states/exports>.
- Tradingeconomics.com. (2019). "United States Imports | 2019 | Data | Chart | Calendar | Forecast | News. [Accessed 2019/01/16]. Available at: <https://tradingeconomics.com/united-states/imports>.
- United nations. (2018). *Trade and development report*. New york: united nations publicatio.
- United States-European Union Negotiations, Summary of Specific Negotiating Objectives. (2019). [ebook] Washington: Office of the United States Trade Representative (USTR). Available at: https://ustr.gov/sites/default/files/01.11.2019_Summary_of_U.S.-EU_Negotiating_Objectives.pdf
- Ustr.gov. (2019). European Union. [Accessed 2019/01/26]. Available at: <https://ustr.gov/countries-regions/europe-middle-east/europe/european-union>.

- Vox. (2019/02/05). State of the Union: the truth about the US economy under Trump. Available at:
<https://www.vox.com/2019/2/5/18210757/state-of-union-2019-economy-fact-check>.
- World Trade Organization. (2018). *World trade statistical review 2018*. Geneva: world trade organization.
- Wong, D. and Chipman Koty, A. (2019/09/23). The US-China Trade War: A Timeline - China Briefing News. Available at:
<https://www.china-briefing.com/news/the-us-china-trade-war-a-timeline>.
- Wto.org. (2019/04/02). Global trade growth loses momentum as trade tensions persist. Available at:
https://www.wto.org/english/news_e/pres19_e/pr837_e.htm.

